



# عمادالکتاب (۱۳۱۵-۱۲۴۰)

## دیباچه‌ی خوش‌نویسی معاصر ایران

کاوه تیموری

### مقدمه

مرحوم «محمدحسین‌خان عماد سیفی»، ملقب به «عمادالکتاب» (۱۳۱۵-۱۲۴۰) آخرین استاد مسلم در خوش‌نویسی یکصدسال گذشته‌ی ایران در شیوه‌ی خط نستعلیق است. عمادالکتاب به علت قرار گرفتن در دوره‌ی پایانی قاجار و معاصر بودن با شاهان قاجاری، چون ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه و سپس با پهلوی اول، حلقه‌ی ارتباطی خوش‌نویسی دوره‌ی مهم قاجاریه و دوره‌ی معاصر است. از نظر فنی و هنری، برای این خوش‌نویس نام‌دار در این دوره‌ی زمانی هم‌ترازی نیست؛ فهم دقیق مبانی هنری و نظام هندسی خوش‌نویسی عمادالکتاب، در واقع کلید ورود برای تماشای خوش‌نویسی معاصر ایران است. مطالعه‌ی آن کاملاً ضروری است و می‌تواند به بینش هنری خوش‌نویسی معاصر ایران بیافزاید. در این نوشتار، سعی بر این است که ابعاد شخصیت هنری و اجتماعی وی بررسی شود.

### تربیت و زمینه‌ی اجتماعی عمادالکتاب

عمادالکتاب شرح حال زندگی خود را به شکل منظوم و با طبعی روان به رشته‌ی تحریر درآورده است و در واقع «زندگی‌نامه‌ی خودنوشت» منظومی را به یادگار نهاده است.

### سال‌شمار زندگی عمادالکتاب

۱۲۴۰: به دنیا آمدن؛  
 ۱۲۴۸: ورود به مکتب و شاگردی میرزا محمدعلی خوش‌نویس قزوینی؛  
 ۱۲۵۶: عزیمت به عتبات در پانزده‌سالگی؛  
 ۱۲۵۷: آغاز کتابت به خط نسخ و ثلث به مدت ۸ سال؛  
 ۱۲۶۴: عزیمت به تهران، ازدواج؛  
 ۱۲۷۶: کتابت قرآن به خط نسخ معروف به «قرآن حسن»، ترجمه و تفسیر (میرزا حسن فسایی)؛  
 ۱۲۷۷: کاتب و منشی وزارت انطباعات به مدت هشت‌سال؛  
 ۱۲۸۲: کتابت شاهنامه‌ی امیربهداری اوایل حکومت مظفرالدین‌شاه (اجرت هر صفحه‌ی ۱۹۸ بیته، ۱۵ ریال) در سن ۴۲ سالگی؛  
 ۱۲۸۶: درک به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه؛  
 ۱۲۸۷: درک تاج‌گذاری احمدشاه قاجار؛  
 ۱۲۹۴: عضویت در کمیته‌ی مجازات و نگارش بیانیه‌های کمیته‌ی مربوط در پنجاه و چهارسالگی؛  
 ۱۲۹۵: دستگیری به جرم عضویت در کمیته‌ی مجازات؛  
 ۱۲۹۹: تحمل پنج‌سال زندان و آزادی؛  
 ۱۳۰۸: آماده‌سازی نهایی ۳۶ کتابچه‌ی رسم‌المشقی در چهار سطح در سن ۶۴ سالگی؛  
 ۱۳۱۳: نگارش کتیبه‌های دانشگاه تهران؛  
 ۱۳۱۵: درگذشت.

تولد او در دیار قزوین به سال ۱۲۴۰ شمسی بوده است. پدرش «حسین»، فردی قبایله‌نویس در آن سامان بوده که فرزند را در سن هشت‌سالگی به مکتب سپرده است.

«هشت ساله بودم که از ره داد پدر من مرا به مکتب داد»

او در چهارده‌سالگی از نعمت پدر محروم می‌شود:

«سال عمرم به چهارده چو رسید

پدر از این دیار رخت کشید»

در پانزده‌سالگی در پی تحصیل و کار، عازم بغداد می‌شود:

«پانزده ساله بودم و بی‌زاد

که روانه شدم، سوی بغداد»

در کاظمین سه سال اقامت می‌کند:

«رَحَل در کاظمین بگشودم

تا سه سال اندر آن محل بودم»

جوانه‌های مشق خط به شکلی جدی بر شاخه‌های وجود محمد حسین، آرام آرام شکل می‌گیرد و او، این لطیفه‌ی الهی را تنها از فضل حق می‌داند:

«ز ابتدا فضل حق مرا شامل

عشق مشق خطم بُدی کامل

زین سبب، مشق بود انبازم

از غنا با خدا بُد رازم»

او سه سال در کاظمین با سخت‌کوشی به خط نسخ و ثلث می‌پردازد و اولین نشانه‌های توفیق را در وجود خود احساس می‌کند:

«چون رسید، انتهای سیم سال

خط نویدم بداد ز استقبال»

از آن پس برای کسب فیض محضر روحانی جلیل‌القدر که از او با نام «حجت‌السلام راد» یاد می‌کند، راهی کربلا می‌شود. این مرحله‌ی دوم از اقامت وی در عتبات، پنج‌سال طول می‌کشد و در آن‌جا نیز خوش‌نویسی و مشق خط برای مسیر وی تعیین‌کننده بوده است:

«از شفق مشق بود تا به فلق

شب و روزم به درس مستغرق»

او پس از اقامتی هشت ساله در محضر همان روحانی نیکومحضر و خوش‌خلق همراه با وی به ایران مراجعت می‌کند و در ملازمت با او روزها را می‌گذراند. وی پس از یک سال اقامت در تهران، ازدواج می‌کند و از حالات وی

در اشعار برجای مانده چنین به نظر می‌آید که از ازدواج خود راضی نبوده است. وی در سال ۱۲۶۴ با همان رادمرد جلیل به خراسان عزیمت می‌کند و با حضور چهارماهه‌ی خود در حریم رضوی به تکامل خط نسخ خویش می‌پردازد و آن سفر را تحفه‌ی اقامت خود به شمار می‌آورده است:

«این اقامت بدل چو شد بر فسخ

تحفه‌ی سوغات بُد مرا خط نسخ»

در این دوره‌ی سنی، یعنی در ۲۴ سالگی، او خوش‌نویسی است که بر خط نسخ، ثلث و نستعلیق احاطه دارد و کتابت برای وی برات پیروزی و به دست آوردن رزق و روزی است و دمی از کوشش و تلاش برای امرار معاش دست‌بردار نیست:

«من که از اول هنر رفیقم بود

کارفرما نه، بل شفیقم بود

گاه تحریر و گاه تعلیم

نُبدم اعتنا به هفت اقلیم

این سخن گاه گاه می‌گفتم

پادشاه ممالک خطم

با صریر قلم، جهان سپرم

پادشاه ممالک هنرم»

#### عمادالکتاب و مراحل خوش‌نویسی

استادان مرحوم عماد ناشناخته‌اند و او، تنها از «میرزا محمدعلی خوش‌نویس قزوینی، به عنوان معلم خط خود یاد کرده است.

عمادالکتاب بر اساس آن‌چه که آمد، پس از رفتن به عتبات و حضور هشت‌ساله‌ی خود در آن‌جا، علاوه بر تحصیل از کتابت یک دوره «فقه» مرحوم «آقا سیدعلی بحرالعلوم» نام می‌برد.

نقطه‌ی عزیمت خوش‌نویسی مرحوم عماد، خط نسخ و ثلث بوده است. او در نوشته‌های می‌آورد که «زیاده از پانصد هزار بیت، کتابت کرده است!»

این میزان کتابت در مدت هشت سال، امری دشوار و چه بسا و غیرممکن است؛ زیرا ۵۰۰ هزار بیت، دست کم هشت نگارش شاهنامه‌ی شصت هزار بیتی است. بعدها مرحوم عمادالکتاب یک شاهنامه را با کمک دو شاگردش، «غلامعلی» و «علی‌اکبر سروش» در سه سال تحریر کرده است. در مجموع، موضوع با بررسی اصل سند که در

## عمادالکتاب با توجه به هوش و دانش و تجربه‌ی محک خورده‌ی خود، اولین فردی بوده که با درک تعلیم و تربیت جدید درصدد بر آمده است که شرایط لازم را برای انطباق آموزش خوش‌نویسی با شرایط جدید از طریق تدوین رسم‌الخط فراهم آورد

رشد آموزش

۱۸

دوره‌ی هشتم : شماره‌ی دوم : زمستان ۱۳۸۹

اختیار مجموعه‌دار، «حاج باقر ترقی» است، باید بررسی شود. عمادالکتاب پس از اقامت هشت‌ساله، به تهران عزیمت می‌کند و در بدو ورود به تهران، «ابتدا به نوشتن ترجمه‌های مرحوم شاهزاده محمدطاهر میرزا» برای ناصرالدین شاه مشغول می‌شود و هم‌چنین یک جلد «نامه‌ی دانشوران» و یکی، دو سال از سال‌نامه‌ی آن زمان را نوشته است. نقطه‌ی اوج کار عمادالکتاب در خط نسخ، نگارش قرآنی بوده که ترجمه و تفسیر آن به قلم مرحوم «حاجی‌میرزا حسن فسایی» بوده و این قرآن، سپس به «قرآن حسن» معروف شده است.

عماد در سال ۱۲۷۷ ه.ش در سمت کاتب و منشی «وزارت انطباعات» وقت مشغول به کار می‌شود و پنج‌سال بعد، یعنی در سال ۱۲۸۲ ه.ش، کتابت شاهنامه‌ی فردوسی معروف به «شاهنامه‌ی امیر بهادری» را در اوایل حکومت مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۱-۱۳۰۰ ق.) آغاز می‌کند. این شاهنامه در هر صفحه، ۱۹۸ بیت دارد و مرحوم عماد، کتابت آن را در ۴۲ سالگی آغاز و در مدت سه سال آن را به پایان می‌برد. روایت منظوم کتابت این اثر از زبان عماد چنین است:

«بُد زمان مظفرالدین شاه

که مسلم مرا ز خطِ خر گاه

داد فرمان طبعِ شهنامه

که از نوشتنش ترکم خامه

به عنایات حضرت باری

کرد اقبالِ کلک من یاری

تا سه سال آنچه بود، بنوشتم

بر نیکی به نام وی کشتم»

در این دوره، او در مدرسه‌ی «افتتاحیه»، سمت معلّم خط را داشت و در آن‌جا چهارصد شاگرد داشته است.

گویا پس از نگارش شاهنامه‌ی امیر بهادری، میل به کمال رساندن خط نستعلیق در وی فزونی می‌یابد و سلوک درونی و احوال ویژه‌ی معنوی، این دعا را بر زبان وی جاری می‌کند که از عمق وجود از خداوند بزرگ خطی درخشان بخواهد:

«بُخردی اَمَل‌ها ز دل کاستم

ز یزدان، درخشان خطی خواستم

چون این آرزو اوفتادی به دل

چهل سال بنگاشتم متصل

نصیبه مرا خدمت خلق بود

بهای خورشِ سُبْحه و دَلق بود»

از این زمان، او بزرگ‌ترین خدمت خود را به جریان آموزش خوش‌نویسی آغاز می‌کند و در بیست سال آخر عمر خود، رسم‌المشقی‌های آموزشی خط تدوین و تنظیم می‌کند. می‌توان آغاز و ابداع رسم‌المشقی خوش‌نویسی را با نام عمادالکتاب رقم زد. او فنّ آموزش خط را بر مبنای رسم‌المشقی‌های ابتکاری خود ساده و سبک کرد و هم او بود که چهل سال تعلیم را به چهار سال کاهش داد و معلم مکتوب را جایگزین معلمان غیرمکتوبی کرده است که در آن دوره‌ی زمانی، امکان تربیت فراگیر آن‌ها وجود نداشت؛ هم‌چنین او کانون اصلی تعلیم را بر خط نستعلیق و چاشنی خط شکسته خوانا دایر کرد و با یکسان‌سازی، مانع از چندگانه‌نویسی آموزندگان در سایر خطوط متنوع دیگر شد.

باید اذعان داشت که عمادالکتاب با توجه به هوش و دانش و تجربه‌ی محک خورده‌ی خود، اولین فردی بوده که با درک تعلیم و تربیت جدید درصدد بر آمده است که شرایط لازم را برای انطباق آموزش خوش‌نویسی با شرایط جدید از طریق تدوین رسم‌الخط فراهم آورد و این نکته را می‌توان تأثیر اجتماعی عمادالکتاب بر فراگیر کردن آموزش خط با شیوه‌ی غیرحضوری دانست و آن را در واقع، انقلاب آموزشی در حوزه‌ی خوش‌نویسی می‌توان دانست.

نکته‌ی جالب، تداوم این روش غیرحضوری در سال‌های تأسیس انجمن خوش‌نویسان است؛ به طوری که با راه‌اندازی بخش آموزش مکاتبه‌ای، بسیاری از هنرجویان توانستند از تعلیمات خط بهره‌مند شوند و آثار معنوی و هنری خط و خوش‌نویسی به دورترین نقاط کشور منتقل شد.

**عضویت در کمیته‌ی مجازات در سال ۱۲۹۴ ه.ش**

با بالا گرفتن مشروطه‌خواهی در کشور و ورود آشکار و پنهان روس و انگلیس و سرکار آمدن دولت‌های دست‌نشانده‌ی آن‌ها، مانند «وثوق‌الدوله» که سرسپرده‌ی انگلیس بود، کمیته‌ای سَری به نام «کمیته‌ی مجازات» در سال ۱۲۹۴ ه.ش در تهران شکل گرفت. آن کمیته برای هواخواهان وثوق‌الدوله نامه‌هایی به خط سرخ می‌فرستاد و آن‌ها را به ترک هواداری از وثوق‌الدوله نصیحت می‌کرد و آن‌ها را تهدید و برایشان ضرب‌العجل تعیین می‌کرد که اگر تا فلان روز از این رویه دست برندارند، گرفتار انتقام ملت خواهند شد.

گویا عمادالکتاب عضو این کمیته بوده و اعلامیه‌های آن‌ها را می‌نگاشته است. کمیته‌ی مذکور با انجام چهار



## عمادالکتاب در زُمره‌ی کم‌شمار خوش‌نویسان فرنگ دیده است که وسعت نظر و مفاهیم تفکربرانگیز در نوشته‌های او به چشم می‌خورد و در آثار هم‌ردیفان او کمتر چنین ویژگی‌هایی وجود دارد

رشد آموزش

۲۰ هجری

دوره هشتم : شماره دوم : زمستان ۱۳۸۹

در عین حال با توجه به روحیه هنری عمادالکتاب، می‌توان دانست که شرایط سخت زندان با او چه کرده است؛ تا جایی که او می‌آورد، در حبس نظمیه «از هستی ساقط شدیم» و امضای او با عبارت «فدوی محنت کشیده، عمادالکتاب» آمده است. در جایی دیگر در خلال متن، شعرگونه‌ی زیبایی می‌آورد: «آوخ! که دلم به درد آمد» و می‌نالد که چگونه بار اتهامات «کمرم را خم کرد و جگرم را سوزانید». این یادداشت‌ها نشان می‌دهد که او چه تألم روحی شدیدی را در شرایط نامساعد زندان از سر گذرانیده است و این دوره برای وی که هنرمندی تمام‌عیار و خوش‌نویس و آگاه به سایر هنرهای زمان بوده، تا چه حد و اندازه سنگین سپری شده است.

او در جایی آورده است: «ناخوشی و ضعف بنیه می‌گذارد، يك چیز خوب جهت برادرم بنویسم... العبدالمحبوس عمادالکتاب، ۱۳۳۷ ق.ه». او هنرمندی است که با تمام حساسیت روحی این مرارت‌ها را به عشق وطن و اعتلای محیط اجتماعی خویش به جان خریده است.

عماد در نامه‌نگاری‌های زندان از، زبانی نمادین و اصطلاحاتی مملو از ایهام برای تأثیرگذاری بیشتر استفاده کرده است. «چنگال بیرحمانه‌ی گیتی»، «صدمات نگفتنی»، «مطالب محنت‌افزا»؛

«افسانه‌های مضحك»، «از کفر ابلیس معروف‌تر» و ... تنها نمونه‌هایی از قلم برنده و نثر گیرای عمادالکتاب است که شرایط زندان، تأثیر آن را مضاعف کرده است. او این عبارات را به وزیر داخله‌ی وقت می‌نگارد و بی‌پروا از بی‌تقصیری خود در آینه‌ی این کلمات سخن می‌گوید.

به همین سان مطالب عمیق فلسفی نیز در نوشته‌های وی مشاهده می‌شود. زمانی که وی رسم‌المشق ۳۶ کتابچه‌ای را به منزله‌ی حاصل عمر خویش تدوین و به چاپ می‌رساند، در فراز آغازین آن چنین می‌آورد:

«من به زندگی گم‌نام و حیات کم‌عرض و طولی که فقط در تعییش و نقش و نگار فناپذیر طبیعت غوطه‌ور باشم، دل‌خوش نبودم. من پی بردم که در علت غایی خلقت، وقتی می‌توانم داخل و سهیم باشم که به فلسفه‌ی ایجاد، کاملاً واقف باشم و بدانم بشر، دارای چند وظیفه و تکلیف است.

خوشبختانه به دقایق این لطیفه مستحضرم و خوب دریافتم که لذت و شیرینی حیات، فقط نام نیک [است] و آن کس می‌تواند، دعوی انسانیت کند که نسبت به جامعه خدمت‌گذار و آثار معنوی برای ملت خود یادگار

بگذارد. تحت تأثیر همین افکار در بیست سال پیش، رسم‌المشقی ترتیب و هم‌وطنان من تصدیق دارند که یکی از نفیس‌ترین آثار من بود. اینک همان را با اسلوب بهتری تجدید و یادگار می‌گذارد. ابن‌محمدحسین عمادالکتاب السیفی، ۱۳۰۲ ه.ش.».

عمادالکتاب در زُمره‌ی کم‌شمارخوش‌نویسان فرنگ دیده است که وسعت نظر و مفاهیم تفکربرانگیز در نوشته‌های او به چشم می‌خورد و در آثار هم‌ردیفان او کمتر چنین ویژگی‌هایی وجود دارد.

نثر سنگین و پرمغز وی حاوی مضامین والایی است که مخاطب آن، خواص‌اند و تقریباً عوام از آن کمتر بهره می‌برند. وی به علت آشنایی با زبان عربی، بخش قابل توجهی از گنجینه‌ی لغات خود را در نامه‌ها و مکاتبات از این زبان گرفته است.

به نمونه‌ای از این نثر در فرایند یکی از نامه‌های عمادالکتاب توجه کنید.

«اولاً این بشارت در قلب ساکنین این محبس، یعنی پنج نفر محبوسی که از کثرت مصایب و صدمات طاققت فرسا متحیر و مهیوب و بالاخره از فرط استیصال، مقدرات خود را تسلیم قضا و قدر کرده و هر لحظه قوای باصره و سامعه‌ی خود را جمع و متوجه زنگ اخبار درب محبس می‌نمایند، می‌دانید چه اثر نمود؟» (ص ۶۰؛ علی راهیجری) ناگفته نماند که آشنایی عماد به زبان فرانسه، باعث بهره‌گیری او از آخرین واژه‌های وارد شده از زبان فرانسوی در نظم و نثر وی شده است.

### توانایی‌های هنری عمادالکتاب

او در سال ۱۲۹۹ در پاسخ به این پرسش که عمادالکتاب کیست، از شرایط طاققت‌فرسای زندان چنین می‌نویسد:

«معلم حضرت اقدس والا و یکی از اساتید هنرمند این مملکت و تاکنون متجاوز از چهار هزار نفر اطفال را تربیت و یک چیزهای نفیس (رسم‌المشق، شاهنامه، کتب عدیده، نقاشی‌ها، شعرها، طغراها، کتیبه‌ها، قطعات از نسخ، ثلث، رفاع، تعلیق، نستعلیق، شکسته و [نیز] کتاب لغتی که اکنون در محبس می‌نویسد، از خود به یادگار گذاشته است). در این معرفی هنری، ابعاد و گستره‌ی توانایی هنری وی از بیان خودش گفته می‌شود؛ به همین دلیل است که امروز او را «استاد هفت قلمی در عرصه‌ی خط» معرفی می‌کنیم.

او معلمی خط مظفرالدین شاه، احمدشاه و ولیعهد او، محمدحسین میرزا، شماری از شاهزادگان قاجار و سپس

معلمی مشق پهلوی دوم و برادران او را نیز بر عهده داشت. این‌ها نشان می‌دهد که شخصیت هنری تراز اول و منزلت بالای او باعث شده است که در این سطح برای آموزش خواص از وی کمک گرفته شود. سرانجام، این که عمادالکتاب، خوش‌نویسی است که به قدر و مرتبه‌ی خود در آن شرایط اجتماعی و فرهنگی وقت آگاهی داشته است. توصیفی منظوم که وی از خود می‌دهد:

«از هنرهای خود گشایم راز  
تا شود کم و کیفِ عالم باز  
اولاً در خطوط اسلامی  
نسخ و ثلث و رقاع بدم نامی  
خط ریحان شکسته و تعلیق  
می‌نویسم چو میر نستعلیق  
خط طغرا و هم خط تحریر  
گوی سبقت ربوده از تقریر  
به کتابت چو می‌گشودم دست  
پای تا سر به عشق می‌پیوست  
زاول عمر تا به سال خمیس  
بیش از انداز یاد گرنفیس  
از کتاب و کتبه با صد رنج  
پنهادم در این سرای سپنج»

بعدها عمادالسیفی محبوس یا «فدوی محنت کشیده» یا «بنده‌ی هیچ نیارزنده» پس از تحمل مشقات زیاد یا در مقام فرمان‌نگار منسوب می‌شود و در سال ۱۳۰۴ شمسی به دفتر مخصوص رضاشاه پهلوی راه می‌یابد و «مأمور تحریر فرامین و نامه‌ها شده و چند سال به راحتی و آسایش زندگی کرده و به غیر از این، چند سال [یعنی تا پایان عمر در ۱۳۱۵] مابقی عمرش پر از حوادث ایام بوده است.»<sup>۱</sup>

#### خوش‌نویس روشنفکر و هنرمند متفکر

مطالعات خاطرات منظوم مرحوم عمادالکتاب نشان می‌دهد که او تا چه اندازه از نقش استعماری پلید انگلستان در تمام شئون زندگی ایرانیان آگاهی داشته است. او در فراز و فرودهای سیاسی و تمام جزئیات انقلاب مشروطه از زمان به توپ بستن مجلس در سال ۱۲۶۸ شمسی و حوادث پس از آن، و بازیگر صحنه و عضویت در کمیته‌ی سرّی مجازات بوده است.

او از انگلیس با صفت «انگلیس پرتلبیس» و «زاده‌ی ابلیس» و «پرتدلیس» نام می‌برد و نقش همه‌جانبه‌ی بریتانیا را در

ایران چنین معرفی می‌کند:

«همه و هر چه هست ایرانی  
همه بر عهده‌ی بریطانی»

او از رجال سیاسی و مبارز، روزنامه‌نگاران و نحوه‌ی ترور آن‌ها به دست مشروطه‌ستیزان نام می‌برد. تمام این‌ها از آن حکایت دارد که چگونه صفات و جامعیتی در خود داشته که با آن احاطه‌ی وصف ناکردنی در خط و شعر و نثر و عکاسی و نقاشی و موسیقی باز هم با ذهن سیاسی فعال و با شخصیتی عملگرا در اوضاع دقت داشته است. وی هم‌نفس با انقلاب مشروطه، حوادث آن را پیگیری می‌کند. انقلاب مشروطه را برای ایرانیان، پدیده‌ای مبارک معرفی می‌کند و آن را تولدی دوباره در آزادی زبان و قلم می‌داند.

این چنین حساسیت به محیط اجتماعی، آن هم از جانب یک خوش‌نویس تراز اول، در طول تاریخ خوش‌نویسی، پدیده‌ای کم‌نظیر است. عمادالکتاب نمونه‌ی بارز هنرمند مسئولی است که دغدغه و تعهد اجتماعی هنر را تنها در آینه‌ی «هنر برای هنر» درک نکرده است؛ بلکه با حضور در صحنه‌های اجتماعی به رسالت اجتماعی هنرمندانه‌ی خود جامه‌ی عمل پوشانده است و با وجود ناکامی‌ها و مرارت‌هایی که بر روحیه‌ی لطیف او وارد شده است، باز از این هدف و رسالت واقعی دست برنداشته است.

وی از سال ۱۳۳۶ قمری مقارن با سال ۱۲۹۶ شمسی است، با نام «سال قحطی» و «بدترین سال» نام می‌برد. این نشان می‌دهد، اوضاع و احوال اجتماعی را تا چه اندازه در متن آن‌ها تجربه می‌کرده است. وی محیط زندان را ناشی از رطوبت و وجود حشراتی، چون عقرب و ساس و پشه محیطی تحمل ناشدنی معرفی می‌کند و خواننده‌ی امروزی در می‌یابد که آن مرحوم چه سختی‌های طاقت‌فرسایی را در پنج سال زندان تحمل کرده است که چنین فریاد بر می‌آورد:

«لاجرم داد از این مسلمانی!

باز فریاد از این مسلمانی!»

در زندان به رغم اینکه می‌نالد:

«ز جور گیتی، گرچه شکسته بال و پر»

ز ظلم گردون رفته است گرچه خط از یاد». اما از تلاش و کوشش دست‌بردار نیست و ناامیدی در اثر عشق فراوان وی به خط در ضمیرش راهی ندارد:

«ولیک فضل و هنر تا نماندم مجهول

ز کلك خویش مدد خواست هرچه باداباد!»

## عمادالکتاب به علت قرار گرفتن در دوره‌ی پایانی قاجار و معاصر بودن با شاهان قاجاری، حلقه‌ی ارتباطی خوش‌نویسی دوره‌ی مهم قاجاریه و دوره‌ی معاصر است

رشد آموزش

۲۲

دوره‌ی هشتم : شماره‌ی دوم : زمستان ۱۳۸۹

و در آخر، حالت روحی خود را چنین بیان می‌کند:

«عماد از بُن زندان سرود این چامه  
که یادگار بماند به نزد آن استاد»

او در غایت تنگ‌دستی در زندان سروده است:

«من اوستاد خطم و پر مایه از هنر  
ای بی‌هنر سپهر بیا کن‌دیم بطین

در جایی دیگر به رتبه‌ی بالای خود در خط اشاره می‌کند:

«ای صدر اجل! ای به تو امید عباد  
در عهد توأم به خط مسلم، چو عماد

گر گفت کسی کم ز عمادم به عناد  
این صفحه و این بنان و این کلك و مداد»

و در آخر نیز به سرنوشت نوشته‌شده‌ی خود این چنین می‌اندیشد:

«رضا به قسمت خود شوکه خامه‌ی ازلی  
همین نصیب به پیشانی من و تو نوشت»

### عمادالکتاب و پرورش نسلی از خوش‌نویسان بزرگ

عمادالکتاب در فرآیند شاگردپروری نسلی از خوش‌نویسان تأثیرگذار در دوره‌ی معاصر نقش مهمی داشت و سهم زیادی از میراث گذشتگان را محفوظ و ماندگار کرد. شاگردان عمادالکتاب در روزهای جمعه هر هفته در کلاسی که در منزل شخصی او تشکیل می‌شد، حاضر می‌شدند و لطایف و دقایق هنر خوش‌نویسی را از محضر این بزرگ‌مرد می‌آموختند.

نام برخی از شاگردان مطرح وی که بعداً خود، نسل خوش‌نویسی معاصر را آموزش دادند، به قرار ذیل است:

- «استاد علی اکبر کاوه» (تولد: ۱۲۷۵ ه.ش)؛

- «ابراهیم بوذری» (۱۱/۱-۶۵/۱۲۷۵ ه.ش)؛

- «حسین زرّین‌خط» (تولد: ۱۲۷۳ ه.ش)؛

- «میرزا محمد فرزیب (کجوری)؛

- «مجدالکتاب گرگانی»؛

- «علی اکبر سروش» و «غلامعلی سروش»؛

- «میرزا ابوالفضل موسوی کجوری» (تولد: ۱۲۸۲ ه.ش)؛

- «علی آقا حسینی» (۱۳۴۱-۱۲۹۰ ه.ش)؛

- «حسین نوربخش»؛

- «علی منظوری» (۱۳۲۹-۱۲۶۴ ه.ش)؛

- «تقی حاتم‌ی» و دیگران.

ملاحظه می‌شود که در بین نام‌برده‌ها، استادان و خوش‌نویسان معاصر که اکنون صاحب نام‌اند و بر کم و کیف جریان خوش‌نویسی معاصر تأثیر جدی گذاشته‌اند،

حضور دارند. در شکل‌گیری حیات و تداوم خوش‌نویسی معاصر، نقش انکار ناکردنی آن‌ها قابل تأمل است.

### آثار خوش‌نویسی عمادالکتاب

استاد علی راهجیری در کتاب ارزشمند «زندگی و آثار عمادالکتاب» آثار وی را در سه دسته تقسیم‌بندی می‌کند:

#### کتابت‌ها و آثار چاپی

۱. کتابت شاهنامه‌ی فردوسی معروف به «امیر بهادری» که با قلم شیوا و ممتاز این خطاط بزرگ نگاهشته شده، اثری است بدیع و غنی که به سال ۱۳۲۲، هجری خلق شده است؛

۲. «الف الفها» به قلم کتابت جلی؛

۳. سفرنامه‌ی استانبلی به آفریقا (در دو جلد) به سال ۱۳۱۶ ق.؛

۴. نامه‌ی «دانشوران ناصری» که به سال ۱۳۱۸ قمری چاپ شده است؛

۵. حساب موسی‌خان که به سال ۱۳۱۷ قمری چاپ شده است؛

۶. قرآن نفیس با خط نسخ ممتازحاشیه‌دار معروف به چاپ حسن؛

۷. کتاب «محسنیه» طبع شده به سال ۱۳۱۷ قمری؛

۸. نسخه‌ی نفیس ترجیع‌بند «هاتف اصفهانی» با قلم متوسط کتابت که به طرزی مطلوب و خطی مرغوب تحریر پذیرفته و جزء سلسله انتشارات انجمن دوست‌داران کتاب است و تاکنون چهار بار تجدید چاپ شده است؛

۹. کتاب «اوصاف الاشراف» خواجه نصیرالدین طوسی» که به کتابت «حفی ممتاز» که به وصفی زیبا به سال ۱۳۰۶ در آلمان به چاپ رسیده است.

۱۰. یک دوره‌ی «رسم‌المشق» نفیس و ذی‌قیمت به بهترین خط و بهترین شیوه در ۳۶ جلد برای پیشرفت خط نوآموزان دبستان‌ها و دبیرستان‌ها چاپ «هارلم هلند»، به سال ۱۳۰۳ شمسی؛

۱۱. دیوان خطی حکیم ناصر خسرو، مضبوط در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی؛

۱۲. چاپی از قانون اساسی؛

۱۳. ترجمه‌ی «کتابیه بیستون» به فارسی در ۱۴ ورق و به قطع ۱۸×۱۱/۵ به خط غبار نستعلیق با امضای محمدحسین عمادالکتاب نسخه‌ی خطی موجود در مجموعه‌ی آقا «محمدعلی کریم‌زاده‌ی تبریزی»؛

۱۴. نسخه‌ی دست‌نویس «حسب حال منظوم»، به قطع

خیابان «مفتح»؛

۳. کتیبه‌ی سردر مدخل ساختمان «دارالفنون»، واقع در خیابان ناصرخسرو»؛

۴. کتیبه‌ی اطراف صحن خانقاه و مقبره‌ی «حاج میرزا حسن صفی علی شاه اصفهانی» واقع در خیابان صفی علی‌شاه؛

۵. کتیبه‌ی حدیث ولایت علی ابن ابی طالب در حضرت عبدالعظیم، مقابل صحن حمزه بن موسی بن جعفر»؛

۶. کتیبه‌ی سردر ورودی بیمارستان فیروزآبادی در تهران؛

۷. کتیبه‌ی سر در جدید مدخل «مسجد سپهسالار» (شهید مطهری)؛

۸. کتیبه‌ی «مدرسه‌ی رضائیه» سابق؛

۹. کتیبه‌ی دانشگاه الهیات سابق؛

۱۰. کتیبه‌ی دانشگاه تهران (در موزه‌ی دانشگاه)؛

۱۱. کتیبه‌های لوحه‌ی آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی در طوس که هر بیننده‌ی اهل فن را از قدرت قلم و اعجاز انگشتان پر قدرت این استاد چیره‌دست به حیرت در می‌آورد. این اثر از مهم‌ترین آثار کتیبه‌ای آن مرحوم است.

۱۲. کتیبه‌های سردر مسجد ناصریه که بر پیشانی، شعری از «ملاآقا رضای» شاعر داشت و در حق عمادالکتاب سروده شده بود:

«چه می‌بینی که خط اوستاد است که این خط خوش از کار عماد است»؛

۱۳. کتیبه‌ی سردر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور؛

۱۴. کتیبه‌ی سردر دبیرستان امام (ره) در همدان و کتیبه‌های داخلی آن.

### قطعات منفرد، سیاه‌مشق‌ها، نامه‌ها و فرامین

۱. قطعات سیاه‌مشق بی‌شماری از عمادالکتاب در دست شاگردان و دوستان و طالبان خط او موجود و محفوظ است. هم‌چنین به همت سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی، بیش از ۱۵۰ اثر از سیاه‌مشق‌ها و قطعات عماد به شکلی نفیس در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است؛

۲. فرامین وزارت دربار سابق نیز موجود است که عمادالکتاب در مقام فرمان‌نگار در آن‌جا به کار مشغول بوده است.

۱۴×۱۰ در ۳۵ ورق به خط غبار نستعلیق عمادالکتاب، بدون امضا، فاقد صفحاتی چند از متن آن کتابچه مضبوط به شماره‌ی ۱۲۱ در مجموعه‌ی آقای باقر ترقی.

۱۵. یادداشت‌هایی از شرح‌حال نویسندگان مقدم که ما «تذکره‌ی خط» نامیده شده است به ابعاد ۱۶×۱۰/۵ در ۱۵ ورق به خط معمولی تحریر عمادالکتاب که با شماره‌ی/۱۳۰ در مجموعه‌ی آقای «باقر ترقی» ضبط است.

۱۶. جنگی در دو قسمت؛ قسمت اول شامل مقالات «جنگ و صلح»، «خوش‌بختی چیست»، «ادبیات»، «اخلاقی»، «لطیفه»، «زناشویی» و غیره است و قسمت دوم، منتخباتی است از اشعار صائب و خاقانی و «سلسله‌الذهب» جامی که در ۴۸ ورق به اندازه‌ی پنج صفحه به خط غبار نستعلیق بسیار زیبای عمادالکتاب نسخه‌ی خطی، با شماره‌ی ۱۸۷ موجود در کتابخانه‌ی حاج باقر ترقی ضبط است؛

۱۷. جنگی خطی بدون نام، شامل مقالات «قیامت»، «اندیشه‌های آشفته»، «یک مکتوب تاریخی»، «یک شب در دارالمجانین»، «اوقات شبانه‌روزی من» و «اشیان بلبل» و غیره که در ۸۰ ورق به قطع پنج صفحه‌ای به خط شکسته نستعلیق خفی عمادالکتاب با شماره‌ی ۷۸ در مجموعه‌ی باقر ترقی محفوظ است.

۱۸. یک مرقع نفیس ۲۴ صفحه‌ای ۲۵×۱۷ حاوی مفردات حروف خطوط هفت‌گانه‌ی: کوفی؛ نسخ؛ ثلث؛ شکسته؛ نستعلیق؛ تحریر؛ به طرز تعلیم خط (برای پیشرفت و ترقی خط مظفرالدین شاه قاجار) که به قلم عمادالکتاب با زمینه‌ای آبی و تذهیب، چاپ اروپا که پیش‌تر در تهران نیز از روی آن یک‌بار دیگر نیز چاپ اوزالید شده و در دست بعضی از علاقه‌مندان است و نسخه‌های چاپی اصلی بسیار کم‌یاب است؛

۱۹. کتابت یک دوره فقه آقا سید علی بحرالعلوم؛

۲۰. کتابت ترجمه‌های آثار شاهزاده محمد طاهر میرزا.

### آثار خطوط کتیبه

از آثار شیوای جاویدان وی، کتیبه‌های وی و ابنیه‌ی دوره‌ی قاجاریه و پهلوی است:

۱. کتیبه‌ی سردر مسجد و «مدرسه‌ی قنبرعلی‌خان» واقع در خیابان «سیروس» شرقی که در اثر توسعه‌ی این خیابان، قسمتی از بنای آن، جزو خیابان شده است؛

۲. کتیبه‌ی سردر دانشسرای عالی تهران (تربیت معلم) اول



# تمام ویژگی‌های خوش‌نویسی معاصر را در آثار عمادالکتاب می‌توان ردیابی کرد و به همین دلیل، روح خوش‌نویسی مرحوم عماد با خوش‌نویسی معاصر در پیوند است و کلید و نقطه‌ی عزیمت مهمی برای درک خوش‌نویسی معاصر است

رشد آموزش

۲۴

دوره هشتم؛ شماره دوم؛ زمستان ۱۳۸۹

## ویژگی‌های فنی و مختصات شیوه‌ی عمادالکتاب

۱. مرحوم عمادالکتاب بیشترین تأثیر را از شیوه‌ی «کلهر» گرفته است و ادامه‌دهنده‌ی مکتب اوست؛ بی‌آن‌که شاگرد مستقیم او بوده باشد. در عین‌حال که آثار وی نشان می‌دهد که از خطوط میرعماد نیز مشق کرده و بهره‌ی فنی را از آن‌ها برگرفته است؛ به تأیید خط پژوهان، در مجموع «او جوهر و اساس زیباشناسی خط نستعلیق معاصر را از اصول خط کلهر پی ریخت.»

او رواج دهنده و حافظ اصلی

مکتب کلهر بود. به تعبیر استاد «خروش»، «عمادالکتاب که خیلی هنرمند بوده، در مفردات و کلمات مکتب کلهر سلیقه‌ی خویش را هم اعمال کرده است؛ بدون آن‌که از آن مکتب جدا شود، یک حالت جدیدی در خط به وجود آورده و درواقع، کار کلهر را کامل کرده است.»

۲. تأکید بر استفاده از قلم هم‌اندازه با سرمشق، نگاه کردن مستقیم به سرمشق، بهره‌گیری از تکنیک نقطه‌چین و سایر موارد از شگردهای آموزشی سبک اوست. وی برای اولین بار به تفکیک و تقطیع قسمت‌های مختلف حروف و حرکات و

نمایش مجزای آن‌ها اهتمام کرد. او از این طریق به معرفی و چگونگی اجرای مواصلات و نحوه‌ی ارتباط اجزای خط اقدام کرد. به‌گونه‌ای که این روش آموزشی وی در دوره‌ی معاصر به شکل برجسته‌ای تداوم یافت.

۴. عمادالکتاب براساس تجربه و تأمل خود در خط، شیب قلم را به آن افزود و قلم آن را به محرف نزدیک کرد و با افزودن شیب قلم، سرعت نگارش را بیشتر کرد.

این ویژگی به جنبش و حرکت در خط ایشان انجامید و به پیوستگی بین حروف و کلمات در کتابت‌های ایشان کمک ویژه‌ای کرد. وی درباره‌ی تراش قلم تأکید دارد که قلم را در واقع محرف باید زد و راز خوش‌نویسی را در نگارش با

قلم محرف می‌داند.

«هم محرف تراش و هم بنویس

تا بزودی شوی تو خوب‌نویس»

میرعماد در مورد قلم می‌گوید:

«گر محرف کنی خطا باشد

متوسط کنی روا باشد.»

۵. به تکامل رساندن برخی از حرکات در چارچوب

مکتب کلهر، مانند اجزای حرف «ه» که وی طراحی

زیبایی از آن را ایجاد کرده است.

۶. عمودنگاری در مؤلفه‌ها

و ویژگی استوارنویسی

و ایستایی و استحکام در

خط.

۷. اجرای سرکش‌ها و

دم‌های بلند در کتابت که

از شیوه‌ی میرعماد اخذ

شده است.

۸. در هنگام کتابت هرگاه

نیم کشیده، مانند «راست»

به کلمه‌ای مشابه، مانند

«دوستان» می‌رسد،

عمادالکتاب، کشیده‌ی

«ستا» را با کرسی‌بندی

مضاعف در سطر اجرا

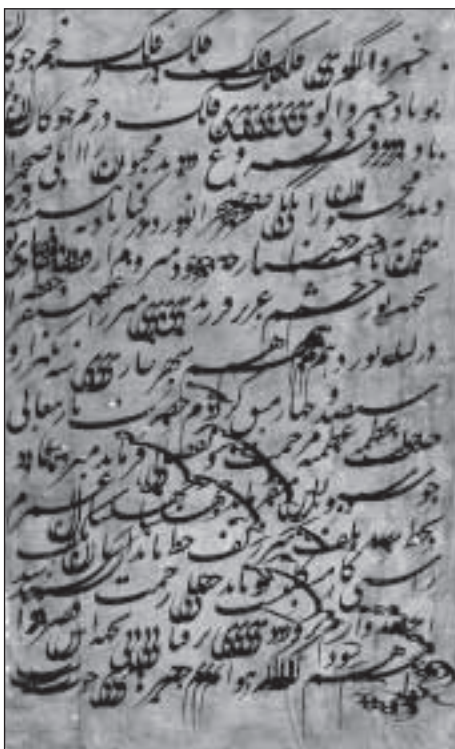
می‌کند که علاوه بر کاستن

از طول سطر، فضای

تازه‌ای را شکل می‌دهد.

(نمونه‌ها در ص ۱۲۰ و ص

۱۲۱ کتاب استاد راهگیری



آمده است.)

۹. تناسب حروف و استحکام در کرسی و ترکیبات

۱۰. برش‌های دوایر و لطافت و نرمی در آن‌ها که

الهام‌بخش و تأثیرگذار در قلم خوش‌نویسان تراز اول

معاصر است؛

۱۱. صاف‌نویسی در کشیده‌ها و نیم‌کشیده‌ها؛

۱۲. در مجموع تمام ویژگی‌های خوش‌نویسی معاصر را

در آثار عمادالکتاب می‌توان ردیابی کرد و به همین دلیل،

روح خوش‌نویسی مرحوم عماد با خوش‌نویسی معاصر در

پیوند است و کلید و نقطه‌ی عزیمت مهمی برای درک

خوش‌نویسی معاصر است.

## تأثیر شیوهی عمادالکتاب در خوشنویسی معاصر

۱. همان‌طور که اشاره شد، ویژگی‌های خوشنویسی معاصر ایران در آثار عمادالکتاب مشهود است. ملازمت آثار استادان معاصر با خط عماد، یکی از این شواهد است؛ به طوری که هندسه‌ی خط عماد و ویژگی‌ها و جاذبه‌ی آن در آثار استادان معاصر دیده می‌شود.

۲. ابداع رسم‌الخط به منزله‌ی یک شیوه‌ی آموزشی بدیع و فراگیر کردن آن با استفاده از صنعت چاپ؛

۳. رسم‌الخط‌ها و رسم‌المشق‌های خوشنویسی در دوره‌ی معاصر با تأسی مستقیم به رسم‌المشق‌های عمادالکتاب تنظیم شده است. تکنیک آموزش نقطه‌چین و استفاده از ترکیبات دو حرفی و سه حرفی و رتبه‌بندی سرمشق‌ها و نکات کلیدی و عملی در آن‌ها محسوس است؛

۴. این حرکت عمادالکتاب، یعنی ابداع رسم‌المشق و کمک به تدوین ساختاری برای آموزش غیرحضوری، روش آموزشی مهمی در خط شد. بعدها استادانی مانند «زین‌العابدین شریفی»، «محمد عماد طاهری»، «کاتب‌الخاقان» (علی مخصوص)، «حسن زرین خط»، «علی‌اکبر کاوه»، «سید حسین» و «سیدحسن میرخانی»، «عبدالحمید ملک‌الکلامی»، «علی منظوری» و «علی آقا حسینی»، به ایشان تأسی کرده‌اند و آثار مشابه و گران‌بهای از خود به یادگار گذاشته‌اند.

جایگاه عمادالکتاب در تدوین رسم‌المشق به منزله‌ی یک رساله‌ی آموزشی، زمانی بهتر آشکار می‌شود که آن را با رساله‌های دوران صفوی مقایسه کنیم؛ زیرا در این رساله‌ها هر خوش‌نویس تراز اولی تجربیات خود را به شکل نظری بیان کرده و به آموزش عملی توجه ویژه‌ای نداشته است. «آداب الخط» میرعماد (۱۰۲۴-۹۶۱ ه.ق)، «صراط‌السطور» «سلطان‌علی مشهدی» (ف: ۹۲۰ ه.ق) «رساله آداب‌الخط» «مجنون رفیقی هروی» (ف: ۹۴۰ ه.ق) و سایر رساله‌های معتبر، این خلأ مهم را داشتند. کار عمادالکتاب مبنی بر وجه کاربردی و عملی در آموزش خط، در واقع وجه تمایز با این رساله‌ها بوده و آغازی بر تحول رساله‌نویسی در خوش‌نویسی است؛ به همین دلیل، این حرکت در آن مقطع زمانی و متناسب با شرایط و مقتضیات جامعه، امری بدیع و نوآورانه در ایجاد انقلاب آموزشی در خط است؛ این حرکت ره‌آورد عمادالکتاب از سفرهای اروپایی و

روش‌های آموزشی جدید بوده است. عمادالکتاب تحریر رسم‌المشق را در سال ۱۲۷۷ ه.ش آغاز کرد و صورت تکامل یافته‌تر آن را در سال ۱۲۸۳ نمایاند و بالاخره، شکل نهایی آن را در سال ۱۳۰۳ شمسی به چاپ رساند که خود، مؤید تحول خط استاد است و از لحاظ روش اسلوب، بسیار خوب و پیشرفته بوده و هنوز تازه و آموزنده است. استاد «فرادی» در مورد رسم‌المشق عمادالکتاب چنین می‌آورد:

«با نگاهی اجمالی به دفاتر بیننده ابتدا در جست‌جوی مطالب خواندنی است؛ لیکن با دیدی دقیق‌تر می‌توان سی و دو حرف الفبای فارسی را در هر سرمشق و طرز اتصال هر یک از حروف را به ۳۲ حرف دیگر کاملاً مشاهده کرد؛ مثلاً حرف «ب» از «الف» تا «ی» و طرز اتصالشان را ابتدا در اتصالات دو حرفی برای کلاس چهارم ابتدایی و سپس در کلاس‌های بالاتر به ترتیب ترکیبات، هم از دو حرف به چند حرفی تکامل می‌یابد.»

در سی سال گذشته (۱۳۵۷ به بعد)، یعنی پس از آغاز انقلاب اسلامی، رسم‌الخط‌های مهمی به عرصه در آمد که همان تداوم راه و روش آموزشی عمادالکتاب است. آثاری، چون رسم‌الخط و آداب‌الخط امیرخانی، سرمشق‌های نستعلیق استاد «اخوین»، سطرنویسی تا کتابت استاد خروش، رسم‌المشق «یزدانی»، از تأثیرگذارترین جزوه‌های مهم و آموزشی بودند که هر چند در لباسی تازه عرضه شدند؛ وام‌دار روش بدیع عمادالکتاب در آموزش خط هستند.

### منابع

۱. راهجیری، علی (۱۳۵۹)، زندگانی و آثار عمادالکتاب، چاپ اول، کتابخانه‌ی آزادی، تهران.
۲. سیفی قزوینی محمدحسین (عمادالکتاب) (۱۳۶۰)، تجدید چاپ رسم‌المشق با مقدمه‌ی استاد عبدالله فرادی، انتشارات یساولی، تهران.
۳. آغداشلو، آیدین (۱۳۸۰)، آسمانی و زمینی، گفت‌وگو با علیرضا هاشمی، چاپ اول، نشر فرزاد روز، تهران.
۴. سیفی قزوینی، محمدحسین عمادالکتاب (۱۳۸۳)، قطعات منتخب عمادالکتاب، سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران.
۵. خروش، کیخسرو (دی ماه ۱۳۶۴) میزگرد خوش‌نویسی، کیهان فرهنگی، شماره‌ی ۱۰، تهران، مؤسسه‌ی کیهان.
۶. مستوفی، عبدالله (۱۳۶۰)، شرح زندگانی من، نشر زوار، چاپ سوم، تهران.